

کودک و گیاهان

تنها زندگی در آغوش طبیعت بحال کودکان مفید نیست بلکه کاشتن و پروراندن گیاهان وجنبه آموزش آن نیز بسیار سودمند است .

از اینجاست که کودک فرامیگیرد چگونه همگام با طبیعت فعالیت نماید و در موارد لزوم با آن مبارزه کند . برگرداندن زمین ، کاشتن تخم و نشاء - های کوچک ، کندن علفهای هرز کاربست آسان و ارزان و تقریباً همه کس میتواند هر چند هم که بودجه اش ضعیف باشد یا خرید چند گلدان گلی و مقداری تخم گل یا نشاء بهترین و آموزنده ترین سرگرمی را برای کودک خود فراهم نماید .

این نوع سرگرمی با بازی کردن تفاوت بسیار دارد و کودک خود این حقیقت را بخوبی درک میکند . اسباب بازی بی جان و تصنعی است در

رفت . پدران و مادران طبیعت را بیش از هر چیز از نقطه نظر سلامت جسم برای کودکان خود مفید میدانند . بسیاری از روان شناسان و مربیان بر این عقیده اند که رشد منظم گیاه مثال و نمونه خوبی برای تقویت تعادل فکری کودک است . عده ای از معنمین گلها و گیاهان سبزر را بهترین نمونه برای آموختن فن نقاشی به کودکان میدانند و معتقدند که نقاشی از روی آن رشد هنری کودک را تقویت میکند . بسیاری از مربیان در تمام فصول سال گیاهانی در کلاس خود نگهداری میکنند زیرا این گیاهان در بوجود آوردن فضائی مملو از زیبایی و زندگی بسیار موثر است .

از طرف دیگر در پرتو وجود این گیاهان محیط آموزشی که برای هر کلاس درسی ضروری است بهتر بچشم میخورد .

با فرا رسیدن فصل تابستان کودکان روی به باغ و باغچه ها میآورند . هر گوشه و حاشیه ای برای کاشتن دانه ای که بعدها تبدیل به گیاه خرمی خواهد شد مناسب است . بدون تردید این امر ناشی از يك غریزه بسیار قوی است . کلمه کودکان در زبانهای اروپائی Kindergarten, Jardin d'enfant

به معنی باغ کودک یا گلستان کودک است بدین سبب که نخستین کودکانهای جهان که توسط فروبل تاسیس شد عبارت از باغچه های کوچکی بود که کودکان در آن زیر نظر فروبل باغبانی را فرا میگرفتند . فروبل این زمینها را در خارج از شهر از قرار متری ۱۲ فرانک برای هدفهای آموزشی ابداع مینمود . با ازدیاد روز افزون کودکانها فکر اولیه یعنی آموختن باغبانی به کودکان نیز بتدریج از بین

صورتیکه گیاه زنده است . از بطن زمین میروید و بارور میشود . درك و احساس «واقعیت و ماهیت خاک است» که در حقیقت به حال كودك آن همه مفید میباشد . از طرف دیگر كودك احساس مسئولیت میکند و میفهمد که کاری جدی باو واگذار شده است که نتایج آن را در صورت خوب یا بد انجام شدن عینا خواهددید . از نظر مربی ، باغبانی فعالیت منحصر بفردی است که نتایج مستقیم آن بیش از هرفعالیت دیگر در ساختمان شخصیت كودك موثر است . در اینجا كودك در مقابل حقیقت آفرینش وزندگی تنهاست .

خاک بارور است ، زمین دانه ها را بآرامی و سکوت در خود می پروراند و گیاهان شکوفانی را ارمغان میدهد . كودك خردسالی که میداند عامل این شکوفان شدن است احساس شغف و غرور و اتکاء به نفس میکند و چون بطور کلی قدرت پروراندن و مراقبت کردن مختص بزرگسالان است كودك هنگامی که گیاهی را می پروراند و مراقبت از آن را بمهده میگیرد احساس میکند که بزرگ شده و مسئولیت مهمی به وی واگذار گردیده است : مسئولیت زنده نگاهداشتن و مراقبت از يك موجود زنده دیگر . این احساس که توأم با لطفاً ورق بزنید



سرور بسیار است دقیقا همان چیزی است که باید به کودک عرضه داشت . کودک چون پیوسته در خود میل به بزرگتر شدن را دارد بخوبی رشد گیاه را درک میکند گویی در وجود خویش رویش ساقه ها و شکوفان شدن غنچه ها و باز شدن گلها را احساس مینماید ، و چون در رشد گیاه مستقیما دخالت دارد وضع آن را باخود تطبیق میدهد . بسیار دیده شده است که کودک حسودی باغچه یا گلکاری کودک دیگری را که مورد نفرتش است لگد مال کرده و گیاهانش را از بین برده است و بدینوسیله توانسته است آن کودک دیگر را حتی پیش از کنک زدن از خود برنجاند .

کار موفقیت آمیز پرورش گیاهان و رشد سریع آن کودک را که وجودش مملو از شادی و شوق زیستن است بزندگی راغب تر میکند . از اینجاست که میتوان گفت باغبانی یکی از نخستین معالجاتی است که در مورد کودکانی که رشد فکریشان به عللی متوقف میشود یا حالت واپس زدگی نشان میدهد و یا حتی رشد فکریشان سیر قهقرائی طی میکند انجام



میشود. بطورمثال میتوان نمونه کودکابی که دچار بیماری روحی هستند ذکر نمود که از مشاهده رویش جوانه‌های سبز برپایز گلی هرچند که خود ایدا در این رویش دخالت ندارند احساس وجد و شمع میکنند و بهبودی محسوس در آنان مشاهده میشود و این بدان سبب است که آنان میل به بهبود یافتن و زندگی کردن و رشد کردن را از دیدن رشد و رویش گیاه ناخود آگاه بخود منتقل مینمایند.

بطور کلی مری باید به کودك گیاهی بسپارد که رشدی سریع داشته باشد و بیش از حد نیز به مراقبت و توجه احتیاج نداشته باشد تا بتواند شخصاً و به تنهایی از آن مواظبت کند. همچنین باید به کودك آموخت که تنها گل و میوه گیاه نیست که قابل توجه است بلکه همه قسمتهای گیاه، برگهای سبز و حتی ریشه نهفته در خاک نقش اساسی دارد. برای کودك بسیار مهم است که دریابد قسمتی از گیاه در زمین میریزد و بعبارت دیگر رشد هر گیاه دوسره است. آیا امکان دارد که کودك از

طفولیت قابلیت درك آگاهیهای اولیه یعنی زمان و مکان را داشته باشد و مسئله تغذیه و نیاز موجودات زنده را با آب و آفتاب دریابد؟ آنچه مسلم است اینست که روانکاوان اهمیت بسیاری برای شکلی که کودك در نقاشیهای خود به گیاه میدهد و نحوه ترسیم شکل گیاه قائلند. چنانچه بطورمثال کودکی درخت یا گیاهی را جدا از سطح زمین نقاشی کند و یا ریشه‌ها را جداگانه از بدنه درخت بکشد بعنوان علائم بیماری تلقی میشود. باغبانی به کودك آمادگی بیشتری برای کسب خصائصی چون پشتکار، نظم و حوصله میدهد. باغبانی تجربه‌ایست پرسود و پیش‌درآملی است برای مبارزه‌ای که کودك در سرتاسر زندگی با آن مواجه است. سلاح موثری است برضد خودخواهی و خودپرستی زیرا کودك می‌آموزد که چگونه باید توجه‌اش را به چیزی غیر از وجود خودش معطوف نماید.

باید توجه داشت که از نظر شناخت رنگها و شکلها دیدن و علاقه به گیاهان بسیار موثر است مضافاً بر اینکه مکرر دیدن و شناخت نزدیک

گیاه کودك را به نقاشی راغب‌تر مینماید و زبردستی در خلق آثار هنری روحیه کودك را تلطیف مینماید. همچنین باید دانست که توجه دقیق به گیاهان میل به کتاب خواندن و در نتیجه بی بردن به اسرار طبیعت را در کودك تقویت میکند و او را به گردآوری مجموعه‌هایی مانند گل‌های خشک شده، پروانه تمبر و سکه تشویق میکند و این گردآوری مجموعه‌ها روحیه، نظم و پشتکار را در کودك بیدار و تقویت مینماید. آنچه باید به کودك آموخت شناخت و تشریح دقیق یکایک گیاهان نیست بلکه تصویری است که او باید از انواع متنوع گیاهانی که طبیعت در دامن خود میپروراند یعنی شناخت طبیعت بطور کلی داشته باشد. با مطالعه طبیعت کودك به چگونگی تمدن جهان از شروع پیدایش دست می‌یابد.

اما بهترین و ارزنده‌ترین پندی که طبیعت به کودك می‌آموزد اینست که: همه موجودات زنده احتیاج یکدیگر دارند تا زنده بمانند و بهتر زندگی کنند. ●